



پوهنتون سرپل

مجله علمی - تحقیقی ارمان انبیر
سال دوم، شماره دوم (مسلسل چهارم) ۱۴۴۷ هجری قمری

بررسی دلایل اثبات وجوب وتر از سنت نبوی صلی الله علیه و سلم

مولوی عنایت الله حقجو^۱

چکیده

نماز وتر یکی از عبادات مهم شبانه در اسلام است که در احادیث نبوی بر آن تأکید فراوان شده و در میان مذاهب فقهی جایگاه ویژه‌ای دارد. با این حال، در خصوص حکم آن میان فقهاء اختلاف نظر وجود دارد؛ فقه حنفی آن را واجب و سایر مذاهب آن را سنت مؤکد می‌دانند. با بررسی منابع اسلامی روشن می‌شود که موضوع «نماز وتر» در کتب احادیث و فقهی غالباً در ضمن ابواب نوافل و نماز شب مطرح شده و کمتر به صورت مستقل مورد تحقیق جامع قرار گرفته است. تنها رساله مستقل موجود، «أحكام صلاة الوتر» اثر عبدالسلام بن محمد است که بسیار مختصر بوده و بسیاری از مباحث فقهی را پوشش نمی‌دهد. همچنین دو مقاله موجود نیز محدود و ناقص‌اند؛ از این رو، خلأ یک تحقیق مستقل، تحلیلی و تطبیقی درباره ادله و احکام نماز وتر همچنان محسوس است. هدف عمده این تحقیق، تبیین و اثبات وجوب نماز وتر از دیدگاه فقه حنفی با استناد به سنت نبوی و آثار فقهی و نیز بررسی و تحلیل دیدگاه‌های سایر مذاهب می‌باشد که با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی انجام یافته است؛ بدین معنا که ادله فقه حنفی در باب وجوب وتر گردآوری، تحلیل و با دیدگاه‌های دیگر مذاهب مقایسه شده و به شبهات و استدلال‌های مخالف پاسخ داده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ادله فقه حنفی در اثبات وجوب نماز وتر از استحکام قابل توجهی برخوردار بوده و عمل به آن موجب محافظت از سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم و التزام بیشتر به شعائر دینی می‌گردد.

^۱ عضو کادر علمی دپارتمنت ثقافت اسلامی پوهنچي شرعیات پوهنتون سرپل.

ایمیل آدرس نویسنده مسئول: Enayatullahqubani9@gmail.com

شماره تماس: ۰۷۸۸۵۶۸۲۵۴

کلمات کلیدی: سنت، قرآن، واجب، وتر.

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على رسول الله وآله واصحابه ومن اهتدى بهديه الى يوم الدين.

نماز وتر یکی از برجسته‌ترین عبادات در شب و از شعائر بزرگ اسلامی است که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و اصحاب گرامی اش بر آن مداومت می نمودند. اهمیت این عبادت در روایات متعددی منعکس شده و پیامبر صلی الله علیه و سلم آن را به عنوان «حق» به امت خود معرفی فرموده و به ترک نشدن آن تأکید کرده‌اند. با وجود این اجماع عملی و توصیه‌های مکرر، مسأله حکم شرعی آن میان علمای مذاهب اسلامی مورد اختلاف قرار گرفته است. فقهای حنفی، با استناد به مجموعه‌ای از احادیث و سیاق روایات، نماز وتر را واجب دانسته‌اند؛ در حالیکه دیگر ائمه مذاهب مثل امام مالک، امام شافعی و امام احمد رحمهم الله تعالی آن را سنت مؤکده می دانند. این اختلاف، تنها یک مسأله نظری نیست، بلکه در عمل دینی مسلمانان تأثیر مستقیم دارد. شناخت دقیق و علمی از مستندات هر دیدگاه، برای پیروان مذاهب اسلامی و طلاب علوم دینی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از آنجا که در کتب فقه و حدیث، این موضوع به صورت پراکنده و گاه به اختصار بررسی شده، نیاز به یک مطالعه جامع، تحلیلی و تطبیقی به شدت احساس می شود. به ویژه در فضای امروز که رجوع به سنت نبوی در اولویت روش‌های استنباطی قرار دارد، بررسی اجتهادی و روشمند این مسأله، می تواند به فهم دقیق‌تر از فقه عبادی کمک کند. این تحقیق در پی آن است تا با تکیه بر منابع معتبر اهل سنت، به ویژه احادیث صحیح و اقوال ائمه، ادله فقه حنفی را در باب وجوب وتر تبیین نموده، در کنار آن، استدلال‌ات ائمه ثلاثه را نقل و نقد کرده و در پایان به روشنی دیدگاه راجح را معرفی نماید. نوآوری این تحقیق در تحلیل تطبیقی دقیق ادله، استفاده از شواهد متنی و زمینه‌ای و پاسخ علمی به دیدگاه‌های مخالف می باشد.

بیان مسأله

یکی از نمازهای که رسول الله صلی الله علیه و سلم در حضر و در سفر آنرا ترک نکرده و بر آن تأکید کرده نماز وتر است. در احادیث پیامبر صلی الله علیه و سلم که مصدر دوم شریعت اسلام است، تأکید بیشتر بعد از ادای فرائض به ادای نماز وتر شده است که این تأکید باعث نظریات متفاوت فقهی بین فقهاء رحمهم الله تعالی پیرامون حکم به وجوب، سنت یا مستحب بودن آن گردیده است. در این مقاله به سراغ جنبه‌های مجهول بحث و حتی الامکان به ترجیح دلایل پیرامون وجوب نماز وتر با درخواست یاری از یاور علیم می پردازیم.

اهمیت موضوع

شب زنده‌داری پیکاری است در راه تقویت اراده، غلبه بر شیطان و فرمانبرداری کردن نفس از خداوند. نماز وتر نماز شب است، که مسیر الی الله را برای سالکین هموار می‌سازد، به همین علت پیامبر صلی الله علیه و سلم دستور داده است. (ان الله وتر یحب الوتر فاولترو یا اهل القرآن) خداوند فرد است و فرد را دوست دارد، پس ای اهل قرآن اهل وتر باشید. (احمد بن حنبل، ج. ۲، ص. ۲۳۳).

سوالات تحقیق

۱. آیا نماز وتر از نظر سنت نبوی صلی الله علیه و سلم و فقه حنفی واجب است؟
۲. مفهوم نماز وتر چیست و تعداد رکعات آن چند است؟

اهداف تحقیق

۱. بررسی و تبیین دلائل اثبات وجوب نماز وتر از سنت نبوی صلی الله علیه و سلم؛
۲. بیان و تقویت دلائل فقه حنفی (احادیث و آثار) در مورد وجوب وتر به صورت مستند؛
۳. تبیین جایگاه واقعی نماز وتر در شریعت اسلامی و اهمیت التزام به آن در زندگی مسلمانان.

روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی تحلیلی است و نوع تحقیق به صورت کتابخانه‌ای هست.

پیشینه تحقیق

با بررسی و تتبع در منابع اسلامی روشن می‌گردد که موضوع «نماز وتر» به صورت گسترده در آثار حدیثی و فقهی مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، جایگاه طرح این بحث عمدتاً در ضمن ابواب «نوافل» و «نماز شب» بوده و کمتر به عنوان یک موضوع مستقل و جامع مورد تحقیق قرار گرفته است. به عبارت دیگر، اغلب کتب فقهی، نماز وتر را یا در قالب بابی مستقل در ذیل نوافل مطرح کرده‌اند، یا به صورت ضمنی در مباحث مرتبط با قیام‌اللیل و عبادات مستحبی بدان پرداخته‌اند. از سوی دیگر، با وجود اهمیت فقهی و عبادی نماز وتر، به ندرت می‌توان اثری مستقل و جامع یافت که تمامی ابعاد این عبادت، اعم از ادله مشروعیت، اختلافات فقهی، کیفیت اداء، احکام و مسائل مستحدثه را به گونه‌ای نظام‌مند و تفصیلی بررسی کرده باشد. در حد تتبع موجود، تنها اثری که به طور مستقل به این موضوع اختصاص یافته، رساله «أحكام صلاة الوتر» تألیف عبدالسلام بن محمد است که آن نیز با حجم حدود ۲۰ صفحه، به صورت بسیار مختصر نگاشته شده و بسیاری از مباحث اساسی و فروع فقهی مرتبط با نماز وتر در آن مورد بررسی قرار نگرفته است. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که علی‌رغم حضور گسترده

مباحث نماز وتر در متون کلاسیک اسلامی، خلأ تحقیق مستقل، جامع و روشمند در این زمینه همچنان احساس می‌شود؛ تا کنون تحقیقی که بتواند با رویکردی تحلیلی و تطبیقی، دیدگاه‌های مذاهب مختلف فقهی را به صورت جامع گردآوری، تحلیل و ارزیابی کند و پاسخگوی نیازهای علمی باشد، به طور مستقل نگاشته نشده است. در این زمینه، تنها دو مقاله درباره نماز وتر به نگارش درآمده است: مقاله نخست به بررسی حقیقت وتر پرداخته و مقاله دوم به اختصار مسئله سه رکعت بودن آن را مورد بحث قرار داده است؛ اما در هیچ‌یک از این آثار، دلایل اثبات وجوب نماز وتر به صورت مستقل و مستند بررسی نشده است. از این رو، در این مقاله تلاش شده است تا با تمرکز بر عنوان مذکور، این مسئله به گونه‌ای دقیق‌تر مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد.

مفهوم شناسی

مفهوم صلاة

صلاة در لغت به معنی دعاء، دین، رحمت، استغفار آمده است. گفته‌اند صلاة از خداوند رحمت است و از ملائکه آمرزش خواستن و از مؤمنین دعا و از پرندگان و هوام تسبیح بود. (دهخدا، ج. ۱۰، ص. ۱۵۰۰۹). در تعریف نماز (الصلاة) جمهور علماء و احناف اختلاف نظر دارند. احناف در تعریف آن گفته‌اند: (هی اسم لهذه الافعال المعلومه من القيام والركوع والسجود) نماز اسم برای افعال معلوم از قیام، رکوع و سجود است. ولی جمهور علماء در تعریف آن نگاشته‌اند: (هی اقوال و افعال مفتحة بالتکبیر مختمة بالتسليم مع النية بشرائط مخصوصة) نماز عبارت از اقوال و افعال که با تکبیر آغاز می‌یابد و با سلام اختتام یافته با وجود نیت و شرایط مخصوص (فیضی، ۱۴۰۱، ص. ۲۲).

مفهوم وتر

وتر در لغت به معنای فرد، طاق، تنها، عدد طاق، واحد، یگانه، ضد شفع و جفت است (دهخدا: جلد ۱۵، ص. ۲۳۱۲۱). چنانچه در لسان العرب آمده: «الوتر الفرد» وتر به کسر و فتح به معنی فرد می‌باشد. اهل حجاز طاق را وتر می‌گویند و اهل نجد واو را کسره می‌دهند برخی گفته‌اند: الوتر به کسر اول آن ضد شفع است. (الوتر) واو وتر به فتح آن به معنی عدد طاق استعمال شده است (ابن درید، ۱۹۸۷م، ص. ۳۹۵).

در تعریف اصطلاحی آن چند تعریف از دانشمندان اسلام نقل شده است که در ذیل چند نمونه آن را تذکر می‌دهیم:

۱. «الظاهر ان الوتر هو مجموع صلاة الليل اذا ختمت بوتر». ظاهراً، وتر مجموع از نمازهای شب است که با (رکعت) طاق خاتمه یابند.

۲. ابو حبيب در تعريف وتر می‌نگارد: «الوتر في عرف الشرع، ما يختم به الرجل الشفع من صلاة»

اللیل، سواء اتصل بما قبلها من الصلاة، او ضم الى الشفع ركعة مستقلة يوتر ما قبلها». ترجمه: وتر در عرف شرع آنست که مردی نماز شفع شب را به آن ختم میکند خواه متصل به نماز ما قبل باشد یا نباشد یا به نماز شفع یک رکعت مستقل اضافه کند که ما قبل آن را طاق گرداند.

۳. وتر را ابن طحطاوی حنفی چنین تعریف کرده است: «وهو فی الشرع صلاة مخصوصة و هی ثلاث رکعات بعد العشاء» وتر در شرع نماز مخصوص است و آن سه رکعت بعد از نماز خفتن ادا می‌گردد (فیضی، ۱۴۰۱، ص ۱۵).

با تأمل در تعاریف یادشده روشن می‌شود که میان فقهاء در تعیین مفهوم اصطلاحی «وتر» اختلاف دیدگاه وجود دارد. تعریف نخست و دوم بیشتر ناظر به دیدگاه جمهور فقهاء است؛ زیرا آنان وتر را پایان بخش نماز شب دانسته‌اند و آن را شامل یک رکعت مستقل یا رکعاتی می‌دانند که پس از تهجد ادا می‌شود. در این نگاه، محور اصلی «ختم نماز شب به عدد طاق» است، نه تعیین تعداد مشخص رکعات. اما تعریف سوم که از ابن طحطاوی نقل شده، با مبنای مذهب ابوحنیفه رحمة الله تعالی سازگاری بیشتری دارد؛ زیرا احناف وتر را «نماز مخصوص» می‌دانند که دارای سه رکعت معین بعد از نماز عشاء است. در فقه حنفی، وتر صرفاً ختم نماز شب نیست، بلکه عبادتی مستقل با احکام ویژه است؛ به همین دلیل، آن را واجب می‌دانند و برای آن احکامی مانند قنوت و قضای وتر نیز مقرر کرده‌اند. بنابراین، از منظر احناف، تعریف سوم جامع‌تر و دقیق‌تر است؛ زیرا هم ماهیت شرعی وتر و هم تعداد رکعات آن را مشخص ساخته و با مبنای فقهی این مذهب هماهنگ است.

مفهوم واجب

واجب در لغت به معنای لازم، حتمی و ناگزیر آمده است. اما در اصطلاح فقهی و شرعی، به عملی گفته می‌شود که انجام آن به دلیل شرعی الزامی باشد، هرچند آن دلیل به صورت قطعی ثابت نشده باشد و در آن نوعی شبهه وجود داشته باشد؛ مانند خبر واحد که قطعی الصدور نیست. به عبارت دیگر، واجب در این اصطلاح به حکمی اطلاق می‌شود که وجوب آن بر اساس دلایل ظنی به اثبات رسیده باشد. (زحیلی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۳۰۰).

وتر از دیدگاه قرآن

در آیه سوم سوره الفجر «وَالشَّفَعِ وَالْوَتْرِ»، منظور از شفع و وتر نزد بسیاری از مفسران، نمازها است، یعنی نمازهای زوج مانند دو رکعتی‌ها (شفع) و نماز وتر که فرد است (ابن کثیر، ۱۴۳۱، ج ۷).

وتر از دیدگاه سنت نبوی صلی الله علیه و سلم

اولین بحث در این مورد این است که نماز شب و نماز وتر، دو نماز متفاوت و جداگانه هستند؛ به همین خاطر محدثین بزرگوار نیز در کتاب هایشان باب جداگانه‌ای در باره نماز وتر و نماز شب نگاشته‌اند و این دلیلی بر مستقل بودن هر کدام می‌باشد. همچنین همانگونه که در حدیث این باب آمده است، رسول اکرم صلی الله علیه و سلم برای نماز وتر، واژه «واجب» و «حق» را به کار برده‌اند، ولی در باره «صلوة اللیل» واژه‌هایی که دلالت بر تأکید دارند، به کار نرفته و تنها به خواندن آن، ترغیب شده است. نکته دیگر این که رسول خدا صلی الله علیه و سلم دستور به قضا آوردن نماز وتر داده‌اند، چنانکه احادیث این باب مؤید این مطلب می‌باشد، ولی در باره نماز شب از ایشان چنین دستوری صادر نشده است. البته برای مجموع نماز وتر و نماز شب از باب توسع و تغلیب، عنوان «صلوة الوتر» به کار رفته است، زیرا مهمترین جزء از میان آنها، همان نماز وتر می‌باشد؛ چنان که در «ترمذی» آمده است: «فُنُسِبَتْ صَلَاةُ اللَّيْلِ إِلَى الْوَتْرِ».

بحث دوم در رابطه به وجوب یا عدم وجوب نماز وتر است. این مهم‌ترین اختلاف به شمار می‌آید. امام ابوحنیفه رحمه الله تعالی قائل به وجوب و ائمه ثلاثه رحمه الله تعالی قائل به سنت بودن هستند؛ حضرات صاحبین رحمهم الله تعالی نیز بر همین عقیده‌اند (سلیم الله، ۱۳۹۱، ج. ۴، ص. ۳۴۹).

دلایل احناف در رابطه به وجوب وتر

امام ابوحنیفه رحمه الله تعالی از احادیث متعدد ذیل استدلال کرده‌اند:

۱. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُرَيْدَةَ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «الْوَتْرُ حَقٌّ، فَمَنْ لَمْ يُوتِرْ فَلَيْسَ مِنَّا، الْوَتْرُ حَقٌّ، فَمَنْ لَمْ يُوتِرْ فَلَيْسَ مِنَّا» (سجستانی، ۱۳۹۲، ج. ۱، ص. ۶۲). ترجمه: از عبد الله بن بریده، از پدرش روایت است که گفت: شنیدم رسول الله صلی الله علیه و سلم می‌گفت: وتر حق (ثابت و لازم) است، پس هرکس نماز وتر نخواند، از ما نیست. وتر حق (ثابت و لازم) است، پس هرکس نماز وتر نخواند، از ما نیست. وتر حق (ثابت و لازم) است، پس هرکس نماز وتر نخواند، از ما نیست. امام ابوحنیفه رحمه الله تعالی علیه از تکرار این جمله در حدیث، دلیلی برای اثبات وجوب نماز وتر به دست می‌آورد. برخی از استدلال‌های ایشان در این زمینه به شرح زیر است:

الف: تکرار عبارت در حدیث؛ در این حدیث عبارت «الوتر حقٌّ، فَمَنْ لَمْ يُوتِرْ فَلَيْسَ مِنَّا» سه بار تکرار شده است که از نظر زبان‌شناسی و اصول فقهی در اسلام، تکرار یک امر برای تأکید بر آن است. تکرار در اینجا به وضوح دلالت بر تأکید و ضرورت آن می‌کند، به گونه‌ای که نمی‌توان آن را صرفاً به عنوان یک سنت مستحب برداشت کرد.

ب: معنای «فلیس منا»؛ عبارت «فَمَنْ لَمْ يُوتِرْ فَلَيْسَ مِنَّا» به این معناست که کسی که نماز وتر نخواند، از جامعه مسلمانی که به سنت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم عمل می کند، خارج است. امام ابوحنیفه رحمه الله تعالی این جمله را به عنوان دلیل بر وجوب وتر می گیرد، زیرا چنین عباراتی به طور معمول در متون دینی به عنوان تأکید بر لزوم انجام عملی خاص استفاده می شود.

ج: عمل به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم؛ امام ابوحنیفه، همچون دیگر فقهاء اهل سنت، اهمیت ویژه‌ای برای عمل به سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قائل است. در این حدیث، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به وضوح در مورد وجوب وتر سخن گفته‌اند، که این باعث می شود امام ابوحنیفه رحمه الله تعالی استنباط کند که این عمل از واجبات است.

۲. عَنْ خَارِجَةَ بِنِ حُدَافَةَ الْعُدَوِيِّ، قَالَ: خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ غَدَاةٍ إِلَى الصُّبْحِ فَقَالَ: «لَقَدْ أَمَدَكُمُ اللَّهُ بِصَلَاةٍ هِيَ خَيْرٌ مِنْ حُمْرِ النَّعَمِ». قُلْنَا: وَمَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «الْوُتْرُ، هِيَ مَا بَيْنَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ إِلَى طُلُوعِ الْفَجْرِ» وَفِي رِوَايَةٍ: «إِلَى صَلَاةِ الْفَجْرِ» (همان، ج. ۲، ص. ۶۲). ترجمه: خارجه بن حذافه عدوی رضی الله تعالی عنه روایت می کند که روزی پیامبر صلی الله علیه و سلم سحرگاه نزد ما آمدند به سوی نماز صبح. سپس فرمودند: همانا خداوند به شما نمازی افزوده که از شتران سرخ‌مو ارزشمندتر است، ما عرض کردیم: ای رسول خدا! آن کدام نماز است؟ فرمودند: نماز وتر، که زمان آن پس از نماز عشا تا طلوع سپیده دم است. شیوه استدلال از حدیث فوق این گونه است که در این حدیث برای وتر لفظ «امدکم» به کار رفته است که به معانی افزودن و یاری کردن می آید. در برخی از روایات نیز با لغت «زادکم» وارد شده است؛ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ زَادَكُمْ صَلَاةً، فَحَافِظُوا عَلَيْهَا، وَهِيَ الْوُتْرُ» (مروزی، ۱۴۰۸، ص. ۲۶۸). ترجمه: رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: همانا خداوند نمازی را بر شما افزوده است، پس بر آن مواظبت کنید و آن نماز وتر است.

یک ضابطه مسلم پذیرفته شده وجود دارد که وقتی چیزی بر موردی دیگر اضافه می شود، از جنس مزیدعلیه به شمار می آید. پس می توان نتیجه گرفت که همان گونه که نمازهای فرض لازم و ضروری هستند، وتر نیز لازم است و گویا این‌ها در لزوم با هم شریک‌اند و همین از علامت وجوب محسوب می شود. زیرا به لحاظ عمل در بین فرض و واجب تفاوتی وجود ندارد. روش دوم استدلال این گونه می باشد که در حدیث مذکور نسبت افزودن و زیاد کردن به خداوند متعال نسبت داده شده است. اگر نماز وتر سنت می بود باید به جای الله تعالی به آن حضرت صلی الله علیه و سلم نسبت داده می شد؛ چنانکه در سنن ابن ماجه آمده است: «کتب الله علیکم صیامه و سنتت لکم قیامه» ترجمه: فرض کرده الله تعالی بر بالای شما روزه ماه مبارک رمضان را و سنت گردانیدم من برای شما شب خیزی ماه مبارک رمضان را. این حدیث بیانگر این مطلب است که سنت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم نسبت داده می شود. روش سوم استدلال این است، اضافه کردن و افزودن در جایی متصور می شود که از حد

و عدد معینی برخوردار باشد. چون تعداد واجبات از قبل معین می‌باشد، لذا اضافه نمودن و زیادتى را فقط در واجبات می‌توان ملاحظه نمود و این زیادت در نوافل امکان پذیر نیست، چرا که نوافل دارای حد معین و مرز مشخصی نیستند.

۳. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا أَصْبَحَ أَحَدُكُمْ وَكَمْ يُؤْتِرُ فَلْيُؤْتِرْ» هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ الشَّيْخَيْنِ، وَكَمْ يُخْرِجَاهُ (نيسابوری، ۱۴۱۱، ص، ۴۴۶). ترجمه: ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: هرگاه یکی از شما صبح کند در حالی که نماز وتر نخوانده باشد، پس باید آنرا بجا آورد. شیوه استدلال از حدیث فوق اینگونه است که پیامبر صلی الله علیه و سلم امر به قضاء آوردن نماز وتر نموده که به نمازهای سنت و نوافل چنین امر و تأکید نشده است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این حدیث به مسلمانان توصیه می‌کند که اگر شب گذشته وتر نخوانده‌اند، حتماً آن را در صبح بخوانند. این نشان‌دهنده اهمیت وتر و تأکید بر عدم ترک آن است.

۴. عن عبد الله بن عمر رضي الله تعالى عنه عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: اجْعَلُوا آخِرَ صَلَاتِكُمْ وَتَرًا (بخاری، ۱۴۲۲، ص. ۴۹۰). ترجمه: عبدالله بن عمر رضی الله عنهما از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت می‌کند که فرمودند: نماز شب خود را با وتر به پایان برسانید. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این حدیث تأکید کرده‌اند که آخرین نماز شب باید وتر باشد. این نشان‌دهنده اهمیت ویژه این نماز است که باید به‌عنوان پایان‌بخش نمازهای شبانه خوانده شود.

۵. وعن عبد الله بن عمر رضي الله عنه: ان النبي صلى الله عليه وسلم قال: «بادروا الصبح بالوتر» (نيسابوری، ۱۳۷۴، ص. ۵۱۷). ترجمه: عبدالله بن عمر رضی الله عنهما از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت می‌کند که فرمودند: شتاب کنید پیش از فرا رسیدن صبح، نماز وتر را بجا آورید. در این حدیث، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به مسلمانان توصیه می‌کند که نماز وتر را قبل از طلوع فجر و شروع نماز فجر بخوانند. این تأکید بر انجام نماز وتر در ساعات پایانی شب نشان‌دهنده فضیلت خاص این نماز در آن زمان است.

۶. وعن ابي سعيد الخدري رضي الله تعالى عنه ان النبي صلى الله عليه وسلم قال «أُوْتِرُوا قَبْلَ الصُّبْحِ» (ابن خزيمة، ۱۴۳۹، ج. ۲، ص. ۱۴۷). ترجمه: ابي سعيد الخدري رضي الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت می‌کند که پیش از فرا رسیدن صبح، نماز وتر را بجا آورید.

۷. وعن جابر رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «من خاف ان لا يقوم من آخر الليل فليوتر اوله، و من طمع ان يقوم آخره فليوتر آخرا ليل؛ فان صلاة آخر الليل مشهودة و ذلك افضل» (نيسابوری، ۱۳۷۴، ص. ۵۲۰). ترجمه: جابر رضي الله عنه روایت می‌کند که رسول الله صلی الله

علیه و سلم فرمودند: هر کس بیم آن دارد که در پایان شب از خواب بر نخیزد، پس وتر را در آغاز شب بگذارد و هر کس امید آن دارد که در واپسین بخش شب برخیزد، پس وتر را در پایان شب بگذارد، چرا که نماز در پایان شب، مشهود فرشتگان است و این برتر و والاتر است.

۸. عَنْ أَبِي سَعِيدٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ نَامَ عَنْ وَتْرِهِ أَوْ نَسِيَ فُلْيَصَلِّهِ إِذَا أَصْبَحَ أَوْ ذَكَرَهُ» (دارقطنی، ۱۴۲۴، ج. ۲، ص. ۳۳۹). ترجمه: ابی سعید الخدری رضی الله تعالی عنه از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند. هر کس که از وتر خود در خواب بماند، یا آن را فراموش نماید، پس باید هنگامی که صبح شد یا به یاد آورد، آن را به جا آورد. این حدیث نشان می دهد که در صورتی که فرد به هر دلیلی نتواند نماز وتر را در زمان معین (قبل از طلوع فجر) بخواند، همچنان برای او امکان قضا کردن آن وجود دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به مسلمانان دستور می دهند که وقتی بیدار شدند یا نماز وتر را به یاد آوردند، باید آن را بخوانند.

۹. عَنِ الْأَشْعَثِ بْنِ قَيْسٍ قَالَ: تَصَيَّفْتُ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، فَقَامَ فِي بَعْضِ اللَّيْلِ، فَذَكَرَ قِصَّةً، قَالَ: ثُمَّ نَادَانِي: يَا أَشْعَثُ! قُلْتُ: لَيْتَكَ! قَالَ: أَحْفَظْ عَنِّي ثَلَاثًا حَفِظْتَهُنَّ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا تَسْأَلِ الرَّجُلَ فِيمَ يَضْرِبُ امْرَأَتَهُ، وَلَا تَسْأَلَهُ عَمَّنْ يَعْتَمِدُ مِنْ إِخْوَانِهِ وَلَا يَعْتَمِدُ هُمْ، وَلَا تَنْمِ إِلَّا عَلَى وَتْرٍ (نيسابوری، ۱۴۱۱، ج. ۴، ص. ۱۷۵). ترجمه: اشعث بن قیس روایت می کند که مهمان عمر بن خطاب رضی الله عنه بودم. او در بخشی از شب برخاست و ماجرای را یاد کرد. سپس مرا ندا داد: ای اشعث! گفتم: لیبیک، ای امرالمومنین! فرمود: سه چیز را از من به خاطر بسپار که آنها را از رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرا گرفته ام: ۱. هرگز از مرد نپرس که چرا همسرش را می زند؛ ۲. از کسی نپرس که چرا به برخی از برادرانش اعتماد دارد و به برخی دیگر اعتماد نمی کند؛ و ۳. شب را جز با گزاردن نماز وتر به خواب مرو.

۱۰. عَنْ مَالِكٍ: أَنَّهُ بَلَغَهُ أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عُمَرَ عَنِ الْوَتْرِ: أَوْاجِبٌ هُوَ؟ فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَوْتَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَوْتَرَّ الْمُسْلِمُونَ. فَجَعَلَ الرَّجُلُ يَرُدُّهُ عَلَيْهِ، وَعَبَدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ: أَوْتَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَوْتَرَّ الْمُسْلِمُونَ (مالک، ج. ۱، ص. ۲۳۱). ترجمه: امام مالک رحمه الله تعالی روایت می کند که به او خبر رسید مردی از عبدالله بن عمر در باره نماز وتر پرسید که آیا واجب است؟ عبدالله بن عمر رضی الله عنهما پاسخ داد: رسول خدا صلی الله علیه و سلم و سلم و وتر گزارنده و مسلمانان نیز وتر گزارند. آن مرد بارها این پرسش را تکرار کرد، اما عبدالله بن عمر همچنان همان پاسخ را می داد: رسول خدا و سلم و وتر گزارنده و مسلمانان نیز وتر می گزارند. عبدالله بن عمر رضی الله عنهما با ذکر این نکته که پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم این نماز را به جا آورده و مسلمانان نیز از ایشان تبعیت کرده اند، به نوعی به اهمیت و توصیه به نماز وتر اشاره می کند.

۱۱. عَنْ عَائِشَةَ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُصَلِّي صَلَاتَهُ بِاللَّيْلِ وَهِيَ مُعْتَرِضَةٌ بَيْنَ يَدَيْهِ. فَإِذَا بَقِيَ الْوَتْرُ أَيَقْظُهَا فَأُوتِرَتْ (بخاری، ۱۴۱۴ ج. ۱، ص. ۳۳۹). ترجمه: حضرت عایشه رضی الله تعالی عنها روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و سلم نماز شب را می خواند، و او (عایشه) در مقابل پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم خوابیده بود. پس چون تنها وتر باقی می ماند، او را بیدار می کرد و نماز وتر را بجا می آورد. این حدیث نشان می دهد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم نماز شب خود را به طور منظم می خواندند و نماز شب جزء عبادات ثابت ایشان بود. همچنین، در این حدیث اشاره شده که عایشه رضی الله عنها در برابر پیامبر صلی الله علیه و سلم خوابیده بودند و پیامبر صلی الله علیه و سلم از او می خواستند که نماز وتر را بخواند.

دلایل ائمه ثلاثه و پاسخ آنها

۱. این حضرات از روایت ضمام بن ثعلبه رضی الله تعالی عنه استدلال می کنند که در آن آمده است: «خمس صلوات فی الیوم واللیة». وقتی ایشان پرسیدند: «هل علی غیرها؟» آن حضرت صلی الله علیه و سلم فرمودند: «لا الا ان تطوع» از این رو، امام شافعی رحمه الله تعالی در کتاب «الام» می فرماید: «ففرائض الصلوات خمس و ما سواها تطوع». و حافظ ابن حجر رحمه الله تعالی می نویسد: «یستفاد من هذا الحدیث انه لا یجب شیء من الصلوات فی کل یوم و لیلة غیر خمس خلافا لمن اوجب الوتر».

ملا علی قاری رحمه الله تعالی علیه در پاسخ اظهار داشته اند که این ماجرا به پیش از وجوب وتر بر می گردد؛ یعنی در ابتدای اسلام فقط پنج نماز فرض بود و نماز دیگری وجود نداشت. البته چنان که از روایات دیگر نیز به صراحت معلوم می گردد، نماز وتر بعدها واجب شده است.

توجیه دیگر این است که وتر، نماز مستقلی نیست، بلکه تابع نماز عشاء و داخل در آن است و مستقل و جداگانه از نمازهای پنج گانه نمی باشد، بنابراین، هنگام شمارش نماز جداگانه ای محسوب نمی شود، به عنوان مثال نماز عید نیز واجب است، اما از نمازهای یومیه به شمار نمی آید و در هر سالی یک بار ادا می شود. بنابراین، این اشکال وارد نمی شود که نماز عید هم جزء نمازهای پنج گانه نمی باشد. پس نباید لازم و واجب باشد (سلیم الله، ۱۳۹۱ ج. ۴، ص. ۳۴۹).

۲. دلیل دوم آنان، روایت حضرت معاذ رضی الله تعالی عنه است که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و سلم ایشان را به عنوان عامل (کارگر و مسئول گردآوری زکات) به سوی یمن فرستادند، در کنار سفارشات دیگر این توصیه را نیز به ایشان کردند که، «فاخبرهم ان الله قد فرض علیهم خمس صلوات فی یومهم و لیلتهم». اگر نماز وتر فرض می بود، آنرا مستقلا بیان می فرمودند، در حالیکه به آن اشاره ای نشده است. احناف رحمهم الله تعالی علیه در توجیه این روایت بیان داشته اند که در روایت مذکور به بیان اوقات نماز پرداخته شده است و قرینه این پاسخ در خود حدیث وجود دارد؛ آنجا که می فرماید:

«فی یوم وليلة». همچنین وقت نماز وتر، جدا از سایر نمازها نیست، بلکه همان وقت نماز عشاء می باشد. بنابراین، نیازی به این نیست که به طور مستقل و جداگانه بیان شود، چراکه تبعاً در نماز عشاء داخل می باشد. این پاسخ، همه روایاتی را که در آنها تعداد نمازهای یومی، پنج عدد ذکر شده است، شامل می شود (سلیم الله، ۱۳۹۱، ج. ۴، ص. ۳۴۹).

۳. دلیل سوم این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم برای ادای نماز فرض از سواری پایین می آمدند، ولی نماز وتر را بر روی مرکب و سواری به جا آوردند. ظاهر است که نوافل بر روی مرکب ادا می شوند، نه نمازهای فرض و این دلیل بر عدم وجوب نماز وتر می باشد. امام طحاوی رحمه الله تعالی این استدلال را به دو شیوه پاسخ داده است:

الف- این ماجرا به دوران پیش از وجوب وتر بر می گردد و پس از تأکید و وجوب وتر، ادای آن بر روی سواری منسوخ شده است.

ب- حضرت ابن عمر رضی الله تعالی عنه نمازهای نفل را بر روی مرکب می خواند و زمانی که نوبت نماز وتر فرا می رسد، از حیوان پایین آمده، آن را بر روی زمین می خواند.

مطالب فوق، توضیحاتی بود که در باره وجوب وتر بیان شد، اما در حقیقت اختلاف ائمه اربعه در باره وجوب یا عدم وجوب وتر، در عمل یک اختلاف صوری و لفظی است، چرا که تمام ائمه بر این امر اتفاق دارند که ترک نماز وتر جایز نیست و تارک آن گنهار بوده، شهادت و گواهی وی پذیرفته نمی شود. همچنین همگی در این باره متفق القول هستند که منکر این نماز، کافر نیست، نتیجه این که وتر، نه همانند سنن و نوافل است که بر ترک آنها گناه مرتب نمی شود و تارک آنها مردود الشهادت نمی گردد و لازم نیست که قضا آورده شوند و نه همانند نمازهای فرض است که منکر آنها کافر دانسته می شوند. البته چون از دیدگاه امام ابوحنیفه رحمه الله تعالی در میان فرض و سنت درجه ای قرار دارد که «فوق السنة دون الفرض» است؛ یعنی از سنت بالاتر و از فرض، پایینتر است و آنرا واجب می گویند. بنابراین، وتر در همین درجه قرار دارد و واجب می باشد. اما نزد ائمه ثلاثه، بین فرض و سنت درجه دیگر وجود ندارد؛ از این رو آنان عمل بر این مرتبه را که با دلیل قطعی الثبوت و قطعی الدلالت به اثبات نرسیده باشد، ولی تأکید زیادی در مورد آن آمده است، «أكد السنن» (موکدترین سنتها) قرار داده اند و عمل کردن بر آنرا لازم و ضروری می دانند. نزد امام ابوحنیفه رحمه الله تعالی درجه واجب به جهت ظنی بودن دلیل از فرض پایین تر است، زیرا واجب از دلیل ظنی ثابت می شود؛ خواه «ظنی الثبوت باشد یا ظنی الدلالت» (سلیم الله، ۱۳۹۱، ج. ۴، ص. ۳۴۹).

۴. عن علی رضی الله تعالی عنه قال: الوتر ليس بحتم كصلاتكم المكتوبة و لكن سن رسول الله صلی الله علیه و سلم، قال ان الله وتر يحب الوتر فآوتروا یا اهل القرآن. ترجمه: حضرت علی رضی الله

عنه فرمودند: نماز وتر همچون نمازهای فرض شما حتمی و الزامی نیست، بلکه سنتی است که رسول خدا صلی الله علیه و سلم بنا نهاد. آن حضرت فرمود: همانا خدا یگانه است و وتر را دوست دارد، پس ای اهل قرآن! شما نیز وتر بگزارید. احناف جواب می گویند که در این حدیث وجوب وتر نفی نشده بلکه فرضیت وتر نفی شده چنانچه لفظ «کصلاتکم المكتوبه» بر این مطلب دلالت می کند، احناف هم مانند دیگر فرائض قائل به فرضیت نیستند و منکر وتر را کافر نمی گویند (بدخشانی، بی تا، ص. ۳۶۳).

تعداد رکعات وتر و نحوه ادای آن در نزد احناف

احناف ادای نماز وتر را به یک رکعت جواز نمی دهند و نیز بیشتر از سه رکعت نماز وتر را جواز نمی دهند. احناف از دلائل ذیل استدلال جسته اند:

عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يُسَلِّمُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ مِنَ الْوُتْرِ» هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ الشَّيْخَيْنِ، وَلَمْ يُخَرِّجَاهُ» (مروزی، ۱۴۰۸، ج. ۱، ص. ۴۴۶). ترجمه: حضرت ام المومنین بی بی عایشه صدیقه رضی الله تعالی عنها می فرماید که حضرت رسول الله صلی الله علیه و سلم بعد از دو رکعت اولی نماز وتر سلام نمی دادند.

حدیث شریف فوق در صحت، همپایه احادیث صحیح بخاری و صحیح مسلم شریف می باشد.

در روایت دیگری آمده است که: «عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُوتِرُ بِثَلَاثٍ لَا يُسَلِّمُ إِلَّا فِي آخِرِهِنَّ» وَهَذَا وَتَرْتِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ «وَعَنْهُ أَخَذَهُ أَهْلُ الْمَدِينَةِ» (نيسابوری، ۱۴۱۱، ج. ۱، ص. ۷۶). ترجمه: عایشه رضی الله عنها روایت می کند رسول خدا صلی الله علیه و سلم وتر را با سه رکعت می خواند و تنها در رکعت آخر سلام می داد و این همان روش وتر خواندن امیرالمؤمنین عمر بن خطاب رضی الله عنه بود، و اهل مدینه آن را از او اقتباس کرده اند.

در روایت دیگری آمده است: «عَنْ عَائِشَةَ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُوتِرُ بِثَلَاثٍ يَقْرَأُ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى فَسَبَّحَ بِاسْمِ رَبِّكَ الْأَعْلَى، وَفِي الثَّانِيَةِ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ، وَفِي الثَّلَاثَةِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَقُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ الشَّيْخَيْنِ» (نيموی، ۱۴۳۲، ص. ۲۰۱). ترجمه: «از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم نماز وتر را سه رکعت به این صورت می خواندند که در رکعت اول سوره سبح اسم ربک الاعلی و در رکعت دوم سوره قل یاایها الکافرون و در رکعت سوم سوره قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را قرائت می کردند.

نتیجه گیری

این تحقیق با هدف بررسی ادله اثبات وجوب نماز وتر از منظر سنت نبوی صلی الله علیه و سلم، با تحلیل منابع حدیثی، فقهی و بررسی دیدگاه‌های مذاهب چهارگانه باتأیید به مذهب حنفیه، به این نتیجه دست یافت که نماز وتر نه تنها از عبادات مؤکد شبانه است، بلکه بر اساس ظاهر و صراحت بسیاری از روایات، دارای جنبه الزام شرعی نیز می‌باشد. در فقه حنفی وجوب وتر مبتنی بر احادیث صحیح چون «الوتر حق» و استمرار عملی پیامبر صلی الله علیه و سلم در سفر و حضر است که با تحلیل دقیق، نشان دهنده قصد تشریح واجب می‌باشد. امام ابوحنیفه رحمه الله تعالی قائل به وجوب و ائمه ثلاثه رحمهم الله تعالی قائل به سنت بودن هستند؛ حضرات صاحبین رحمهم الله تعالی نیز بر همین عقیده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که، نماز وتر جایگاه محوری در شب زنده‌داری و ارتباط فرد با خدا دارد. ترک عمدی آن «طبق فقه حنفی» موجب گناه است. باید در برنامه دینی مسلمانان به عنوان یک واجب مورد توجه قرار گیرد. عدم دسترسی به تمام نسخ خطی یا شروح قدیم برخی منابع حدیثی، از محدودیت‌های این تحقیق است. نتایج این تحقیق بیشتر در فضای فقه اهل سنت و به ویژه پیروان فقه حنفی قابل تعمیم است، اما برای محققان دیگر مذاهب نیز کاربرد تحلیلی دارد.

مآخذ

القرآن الکریم

ابن خزیمه، محمد بن اسحق بن خزیمه. (۱۴۳۹ ق.). صحیح ابن خزیمه، ج ۲، بیروت: المکتب الاسلامی.

ابن درید، ابوبکر بن الحسن. (۱۹۸۷ م.). جمهرة اللغة، المحقق: رمزینر بعلبکی، بیروت: دارالعلم للملایین.

ابن کثیر. (۱۴۳۱ ق.). تفسیر القرآن العظیم، حکمت بن بشیر بن یاسین، چاپ اول، ناشر: دارابن الجوزی - السعو.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق.). لسان العرب، دار صادر- بیروت، چاپ سوم.

بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۲۲ ق.). صحیح البخاری، چاپ اول، مکتبه دارطوق النجاة.

بدخشانی، مولانا معراج الدین. (بی تا). سراج السنن درس آثار السنن، ناشر: مکتبه فاروقیه محلی جنگی پشاور.

ترمذی، محمد بن عیسی. (بی تا) سنن ترمذی، بیروت: دار احیا التراث العربی.

جوزى، جمال الدين عبدالرحمن بن على. (١٤٢٢ ق.). *زادالمسير فى علم التفسير*، چاپ اول، بيروت: دارالكتاب العربى.

خلاف، عبدالوهاب. (١٩٩٦). *علم اصول الفقه، القاهرة: دارالفكر العربى.*

دارقطنى، على بن احمد بن مهدى. (١٤٢٤ ق.). *سنن الدارقطنى*، چاپ اول، لبنان: بيروت.

زحيلي، وهبة بن مصطفى. (بى تا). *الفقه الاسلامى و ادلته*، چاپ چهارم، سوريه-دمشق: دارالفكر.

زحيلي، وهبة بن مصطفى. (١٤٢٧ ق.). *الوجيز فى اصول الفقه*، چاپ دوم، ناشر: ادارة الشون الاسلاميه- دولة القطر.

سجستانى، سليمان ابن اشعث. (١٤٣٠ ق.). *سنن ابى داود*، چاپ اول، ناشر: پ: دارالرسالة العالمية.

سليم الله خان. (١٣٩١ ش.). *نفحات التنقيح شرح مشكات المصابيح*، مترجم غلام محمد، تربت الاسلام شيخ الاسلام احمد جام.

طحاوى، احمد بن محمد بن سلامه. (١٤١٤ ق.). *شرح معانى الآثار*، چاپ اول، لبنان: بيروت.

فيضى، لطف الله. (١٤٠١ ش.). *نماز وتر واحكام آن در فقه اسلامى.*

قزوينى، محمد بن يزيد. (١٤٣٠ ق.). *سنن ابن ماجه*، چاپ اول، ناشر: العالمية، دارالرسالة.

مرغينانى، برهان الدين. (١٤٢٥ ق.). *الهدايه فى شرح البداية المبتدى*، چاپ اول، لبنان-بيروت: دار احياء التراث العربى.

مروزي، محمد بن نصر بن الحجاج. (١٤٠٨ ق.). *مختصر قيام الليل و قيام رمضان و كتاب الوتر*، چاپ اول، پاكستان: فيصل آباد.

ملاجيون، احمد بن ابى سعيد. (٢٠١٥ م.). *نورالانوار فى شرح المنار*، چاپ اول، ناشر: دار نورالصباح و مكتبة امير.

نسائى، احمد بن شعيب. (١٤٣٨ ق.). *سنن النسائى المجتبى*، چاپ اول، ناشر: العالمية، دارالرسالة.

نيسابورى، محمد بن عبدالله الحاكم. (١٤١١ ق.). *المستدرک على الصحيحين*، چاپ اول، بيروت: دارالكتاب العلميه.

نيسابورى، مسلم بن الحجاج. (١٣٧٤ هـ.ظ. ق.). *صحيح مسلم*، بيروت: دار احياء التراث العربى.

نيموى، محمد بن على. (١٤٣٢ ق.). *آثارالسنن*، چاپ اول، ناشر: مكتبة البشرى.